

هممیهنم با درنگریستن این نکته که کشتن یک نفر می‌تواند بی بریدن سر او انجام گیرد پس از خواندن نوشته‌های زیر، پاسخ این پرسش‌ها را برای خود و دیگران بشکافید:

- آیا یک شخصیت الهی و آسمانی می‌تواند سر بربرد؟
- آیا کسی که سر یک انسان را می‌برد می‌تواند یک شخصیت الهی و آسمانی باشد؟
- چه خطایی از یک نفر ممکن است سر برزند که بریدن سرش را به دست یک انسان دیگر جایز کند؟
- آیا موجودی که از بریده شدن سر آفریدگانش به هر انگیزه‌ای که باشد، خشنود می‌گردد، می‌تواند خدا باشد؟

از نگرش شما سر بریدن در کدام یک از دو دسته‌ی «ددمنشی و توحش» یا «آسمانی بودن و انسان بودن» جای می‌گیرد؟

علی

آماری کوتاه از نام‌های بدست آمده کسانی که بدست علی کشته یا سر بریده شده اند می‌تواند در شناخت او نقش اساسی داشته باشد که آیا بدرستی می‌توان چنین آدمی را بیگناه «معصوم»، مرد مردان، جوانمرد، رئوف و دوستار انسانها، فرشته منتخب خدا دانست؟

۱. علی مردی «بنام عروه را با شمشیر بدونیم کرد نیمی را براست و نیمی را به چپ انداخت، پسر اموی عروه را هم به سرنوشت او گرفتار کرد و بصورت گوشت و استخوان بی حرکتی بر روی آن سفره خون فام در کنار آن کشته افکند.»^۱

۲. عمرو بن عبود را با نیرنگ سر بریده است.^۲

۳. در تاخت و تاز به خیبر با مردمیکه سر جنگ نداشته اند، مرحب میانجی را کشته است و سپس در «قلعه قموص» را که ساکنین آن از ترس بسته و کلید کرده بودند از جای درآورده و دست به کشتار زده است.^۳

۴. ربیع بن ابی الحقیق - عنتر - مره - یاسر - از سران خیبر که به میانجیگری آمده بودند همه را کشته است.^۴

۵. عتبه مردیکه از روی خشم بر بیدادگری محمد در پخش پروه‌های (= غنیمت) بدست آمده آب دهان خود را بر گونه او انداخته بود علی بیدرنگ سرش را بریده است.^۵

^۱ - برگ ۳۵ پوشینه پنجم دفتر الامام علی نوشته عبدالفتاح برگردان زیر نگر آیت الله سید محمد طالقانی.

^۲ - منتهی الامال قمی پوشینه یکم برگ ۷۱ - دفتر معصوم دوم پوشینه یکم برگ ۶۴ برگردان جواد فاضل - دفتر معصوم دوم پوشینه دوم برگهای ۵۷ - ۵۸ - «علی عاجزانه به پیغمبر میگفت که او را از نشئه سکرآور معرکه خونین نبرد محروم نسازد و این ننگ چالاک دریای خونین نبرد را بر خشکی ننگین آرامش و امنیت نیفکند: دفتر اسلامشناسی علی شریعتی برگ ۳۶۱.

^۳ - منتهی الامال قمی برگهای ۷۱ - ۷۸ کشتن مرحب بدست علی بیاری شیطان - دفتر معصوم دوم پوشینه یکم چنین آمده است: «قلعه قموص در بزرگی داشت که گفته میشود چهل مرد زورمند آن را سپیده دم می‌گشودند و شامگاهان می‌بستند... مرحب خیبری مردی بود که علاوه بر چند عامه که بسر می‌بست و علاوه بر خودی فولادی که بر سر میگذاشت سنگ بزرگی را هم که مثل سنگ آسیا در میان آن سوراخ بود بر میله «کله خود» میگذاشت تا شمشیری که بر سرش فرود می‌آید کارگر نشود... علی پیش رفت تا پشت در قلعه قموص... و آنرا از پاشنه کند بصورت پلی بر خندق دور قلعه انداخت و سرانجام با ضربه ذوالفقار خود جمجمه مرحب را با خود فولادی و سنگ آسیا با همه تشریفات و تکلفاتش از میان شکافت». برگهای ۶۶ تا ۶۸ دفتر یاد شده.

بیخود نگفته اند در اسلام دروغ هرچه بیشتر بهتر، خوانندگان با بهره‌گیری از خرد داوری خواهند کرد.

^۵ - تاریخ تبری پوشینه پنجم برگ ۱۱۰۳ بریدن سر عتبه.

۶. هفت سد تن مرد و یک زن از بنی قریظه را سر بریده است.^۶

۷. در رویداد نهروان یاران علی از او خواستار شدند در برابر پیشنهاد معاویه در گزینش رهبری اسلام به داوری قرآن ارج نهد. وی پاسخ میدهد که قرآن بیش از چند برگ کاغذ سیاه نیست و قرآن گویا منم، تازش کنید. زمانیکه پیشنهاد کنندگان هوارویون دستور علی از تازش بر قرآن سر باز میزنند علی بر آنان تازش میبرد و بیش از چهار هزار تن را میکشد^۷ که خمینی خونخوار در این باره گفته است: «روز خوارج روزی است که امیرالمومنین علی سلام الله علیه شمشیرش را کشید و این فاسد ها را مثل غده سرطانی درو کرد و تمامشان را کشت. آن روز یوم الله^۸ بود یعنی زور خوشی و شادمانی «الله»!»

شادمانی الله از کشتار دلخراش پیروان قرانش!

۸. علی در نامه خود به معاویه نوشت من همان ابوالحسنی هستم که جد تو پدر هند جگرخوار و برادر تو حنظله و دایی تو ولید پسر عتبه و عتبه پسر ابی معطرا کشته ام و اکنون هم آن شمشیر در دست من است.^۹

۹. پس از رویداد جمل علی به نزد عایشه در خانه عبدالله رفت. همسر عبدالله با دیدن او بیباخت و پرخاش کنان گفت ای کشته‌دوستان، خدا فرزندان را بی پدر کند، بگونه ایکه فرزندان شوهرم را بی پدر کردی. علی نام آن زن را پرسید زمانیکه دانست او همسر عبدالله پسر خلف میباشد گفت آری چنین است. من نیای تو و شوهر تو و اموی ترا کشته ام. اگر آنرا نکشته بودم بگناه دروغ‌گویی همین دم سرت را میبریدم. دیگر زنان با شنیدن این سخنان علی یک سدا گریه کنان از کنار او دور میشوند که آمده است دشنام هم داده اند.^{۱۰}

^۶ - منتهی الامال قمی پوشینه یکم برگهای ۷۲ - ۷۳ - ۷۸ - تفسیر تبری پوشینه پنجم برگ ۱۱۰۳ - نفاس العیون شمس الدین محمد آملی برگ ۳۲ - منتخب التواریخ حاج محمد هاشم خراسانی برگ ۵۴ - پرتو اسلام احمد امینی پوشینه نخست برگ ۹۹۷ - تاریخ تبری پوشینه سوم برگهای ۱۰۸۸ - ۱۰۹۱ -

^۷ - دفتر تشیع و سیاست در ایران نوشته بهرام چوبینه پوشینه نخست برگ ۱۱۸ - تاریخ ادبی ایران برگ ۳۵۲ - تاریخ ایران برای نوجوانان بنیاد مطالعات ایران واشینگتن برگ ۶۲ - دفتر جنبشهای ناسیونالیستی در ایران نوشته استاد خانک عشقی صنعتی پوشینه یکم زیرنویس برگ ۱۶۷ - دفتر زندگانی حسین پوشینه دوم چاپ نهم نوشته زین العابدین رهنما برگ ۱۶۷ - بنقل از دینوری اخبار الاطوال برگ ۲۲۵ «که علی میگوید قرآن منم نه آن ورق های سیاه شده، حمله کنید.» که همین گفتار در دفتر «دافعه و جاذبه علی» از انتشارات حسینیه ارشاد نوشته آیت الله مطهری نیز آمده است - تاریخ ادبیات ایران ذبیح الله صفا پوشینه نخست برگ ۱۰ - عایشه بعد از پیغمبر برگ ۴۵۲ - تاریخ اجتماعی ایران راوندی نوشته مرتضی پوشینه دوم برگ ۷۰

^۸ - توضیح المسائل شجاع الدین شفا برگ ۸۳۷ از گفته های سید خونخوار خمینی در روز ۱۷ شهریور ۵۷ قم - تاریخ اجتماعی ایران راوندی پوشینه دوم برگهای ۶۹ تا ۷۲ «خوارج به علی گفتند در دستور حمله بر قرآن کافر شده ای اگر به کفر خود اقرار و توبه بکنی ما به تو کمک میکنیم در غیر اینسورت تو و هواخواهانت را تسلیم معاویه می کنیم تا به سرنوشت عثمان گرفتار آیی. علی نپذیرفت و به آنان حمله برد و جمعی را کشت. سرانجام کا خلافت به حکمیت و خلع علی انجامید. - دفتر مرد نامتناهی نوشته حسن صدر زیرنویس برگ ۹۰ میگوید علی ناچار شد خوارج را با زبان تیغ اندرز دهد و خاموش سازد. - علی در زمان رهبری عثمان گناهکاران را شلاق میزد. یکی از کسانیکه بدست علی شلاق خورد ولید عتبه برادر عثمان به گناه میخوارگی بود که در مزگت بالا آورد. از دفتر تشیع در مسیر تاریخ نوشته جعفری برگ ۶۴ و بلاندی پوشینه پنجم برگ ۳۳ - و مروج الذهب پوشینه سوم برگ ۲۲۵ - عایشه بعد از پیغمبر برگ ۴۴۰ .

^۹ - دفتر تشیع و سیاست در ایران نوشته بهرام چوبینه پوشینه نخست برگ ۱۱۵ - نهج البلاغه برگهای ۸۵۰ تا ۸۵۳ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگهای ۵۷ - ۱۵۶ - ۵۵ تا ۵۷ - تفسیر تبری پوشینه پنجم برگ ۱۱۰۳ - نهج البلاغه فیض الاسلام برگ ۸۵۳.

^{۱۰} - دفتر زندگانی حسین پوشینه دوم نوشته زین العابدین رهنما برگهای ۸۸ - ۹۸ - دفتر مرد نامتناهی نوشته حسن صدر برگ ۳۲.

۱۰. طعمه پسر عدی^{۱۱} - ابو جردل - نوفل پسر خویلد - ابوجهل - نصر پسر حارث پسر خلف و هفتاد نفر دیگر از سرشناسان قریش را ببهانه های گوناگون کشت تا راه پیشرفت خود را بر رهبری مردم هموار کند.^{۱۲}

۱۱. عبدالله خزرمی با هفتاد تن از همراهانش را که از بیم جان بر دژی پناه بده بودند بدستور علی آن دژ به آتش کشیده شد و همه را زنده زنده سوزاندند که یک تن رهایی نیافت و زمانی دراز بوی گوشت بدنهای سوخته شده در هوا پخش بود و مردم را آزار میداد.^{۱۳}

۱۲. روزی علی از ولید پسر عتبه خواست تا پیرو او گردد. ولید پاسخ داد تو پدر مرا کشته ای چگونه میتوانم با کشته پدرم دست یاری بدهم، علی خاموش ماند و سخنی نگفت.^{۱۴}

ای کاش روشنفکر نمایان ما به اندازه ولید تازی خرد میداشتند و بر خونهای نیاکان خود ارج می نهادند و بدینگونه خفت بار، ۱۴۰۰ سال با همه نیرو در زمینه بزرگداشت دشمنان دیرینه خود کوشش نمی نمودند و روان نیاکان خود را نمی آزرند.

۱۳. در رویداد جمل برای دستیابی بر رهبری با عایشه همسر محمد جنگید و به اندازه ای آدم کشت که دفترهای اسلامی ستاینده او میگویند از کشته ها پشته ساخت و سه بار شمشیر او خم شد.^{۱۵}

۱۴. در رویداد خونین صفین برای دستیابی بر پیشوایی که چهارده ماه و هیجده روز بدرازا کشید، کشته شدگان بدست او و یارانش را سی و شش تا چهل هزار تن دانسته اند، که آمده است خانواده ای در بصره بر جای نماند تا از شمشیر علی داغدارا نباشد.^{۱۶}

۱۵. در راهزنی کاروانیان قریش در گردنه ها و دره های بدر و احد که کاروانیان پسر اموی خود او بودند بسیاری را کشت و کالا و چهارپایان آنها را ربود^{۱۷} که آمده است در یکی از این راهزنیها هشتاد زخم برداشت که برای درمان در سوراخ زخم ها فتیله کار میگذاشتند.^{۱۸} نام گروهی از کشته شدگان این رویداد چنین است: ولید مغیره اموی ابوجهل که علی با شمشیر خود بینی او را برید^{۱۹} و پیکر کاروانیان کشته شده و نیمه جان را به چاهی افکندند و محمد بر سر چاه رفت و عتبه و شبیه

۱ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگهای ۵۷ - ۱۴۵ - ۱۵۶ - در برگ ۵۷ میگوید « اسدالله الغالب چون شیر حمله میکرد مرد و مرکب می افکند و ۳۶ تن از رجال را بیجان کرد و سربرید و بیک ضرب شمشیر هر دو چشم حنظله پسر ابی سفیان را از کاسه بدرآورد و چون سر ابوجهل را برای پیغمبر بردند سجده شکر بجای آورد - دفتر زندگانی حسین نوشته زین العابدین رهنما پوشینه دوم برگ ۵۲.

۲ - تحفته المجالس نوشته تاج الدین حسن سلطانمحمد که میگوید « شیر خدا بدستور محمد با یکضرب شمشیر نوفل را به قتل رساند» برگ ۳۰ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگهای ۵۵ تا ۵۷.

۳ - دفتر علی مرد نامتناهی نوشته حسن صدر برگ ۱۹۹.

۴ - دفتر زندگانی حسین پوشینه دوم نوشته زین العابدین رهنما چاپ نهم برگ ۶۷.

۵ - منتخب التواریخ در زندگانی چهارده معصوم نوشته حاج محمد هاشم خراسانی برگ ۱۶۳ میگوید: « در یکی از جنگهای صفین با معاویه بگفته علامه مجلسی شمار مقتولین بدست علی از پانصد نفر علاوه بود و چند مرتبه نوالفقار او خم شد.

۶ - دفتر زندگانی حسین پوشینه دوم نوشته زین العابدین رهنما برگ ۱۲۹ - دفتر علی مرد نامتناهی نوشته حسن صدر برگ ۲۲ ، در یکی از جنگهای صفین علی پانصد کس را با دست خود و با شمشیر کشت در آن حد که چندین شمشیر عوض کرد از کتاب زندگانی علی ابن ابی طالب تالیف عمر ابوالنصر.

۷ - سوره هشتم آیه ۷ تا ۱۸.

۸ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۶۴.

۹ - سوره شست نهم آیه های ۱۵ - ۱۶ - دفتر اسلام شناسی علی شریعتی برگهای ۱۶۰ - ۱۶۱

پسران ربیعه و امیه پسر خلف و دیگران را بنام سدا کرد و سرزنش نمود و پس از آن با بردگان (اسیران) و پروه های بدست آمده راهی شد.^{۲۰}

۱۶. در جایی بنام انیل دستگیرشدگان را بازدید کرد و به علی دستور داد تا گردن نضر پسر حارث را برید و بر پای وی افکند.^{۲۱}

۱۷. در جای دیگر بنام الطیبیه دوباره همان کار را کرد و به علی گفت سر عتبه پسر ابی معیط را ببرد. او با دستهای بسته داد کشید و گفت سرنوشت زن و فرزندانم چه میشود؟ محمد گفت زن و فرزندانانت بجهنم و علی بیدرنگ سرش را برید و برپای محمد افکند.^{۲۲}

۱۸. علی شاهرگ گلوی مردانی را برید و آنها را بهمان حال در بیابان رها کرد تا با شکنجه هر چه بیشتر بمیرند.^{۲۳}

۱۹. مغیره پیرمردی که از بیم جان از دست محمد گریخته بود، علی ویرا دستگیر نمود و چون گوسفندی سرش را برید.^{۲۴}

۲۰. علی مالک و پسرش را کشت. دو هزار شتر و پنجهزار گوسفندانش را بنام پروه ربود.^{۲۵}

۲۱. در دستبرد بر تیره هوازن چهل تن را کشت و دارایی همه را به پروه گرفت که آمده است در این تازش با هر شمشیر مردان را از میان سر تا پا به دو نیم کرده بود.^{۲۶}

۲۲. در نبردی زیر نام « لیلہ الحریر » (به چم شبی که باد زوزه می کشید) بیش از پانصد تن و بگفته ای دیگر نه صد کس را با شمشیر کشت.^{۲۷}

۲۳. مردی بنام نوفل که در جنگ خندق در آن افتاده پس از بیرون کشیدن از آب موهایش را بدست گرفت و سرش را برید.^{۲۸}

۲۴. طلحه پسر ابی طلحه، مصعب برادر طلحه، صواب برده حبشی و گروهی دیگر از مردان خاندان بنی عبدالدار پسر اموهای پدرش را با شمشیر از کمر به دو نیم کرد.^{۲۹}

۲۰ - قضاوت عبدالرحمان از تاریخ تبری برگ ۸۷.

۲۱ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۵۷.

۲۲ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۵۷ - تاریخ تبری برگ ۹۷۶ - قضاوت عبدالرحمان برگ ۱۰۲ - تاریخ تبری پوشینه پنجم برگ ۱۱۰۳ - بازشناسی قرآن دکتر روشنگر برگ ۳۵۵ - دفتر اسلام شناسی علی شریعتی برگ ۱۶۳.

۲۳ - دفتر الامام علی نوشته عبدالفتاح برگردان زیر نگر طالقانی پوشینه پنجم برگ ۲۷.

۲۴ - دفتر زنان پیغمبر نوشته عمادزاده برگهای ۳۱۶ - ۳۱۷.

۲۵ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۶۸.

۲۶ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۸۷ تا ۸۹.

۲۷ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ برگ ۱۵۳.

۲۸ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۷۱ و ۷۲.

۲۹ - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۶۰ و ۶۱.

۲۵. شبیخون زدن علی همراه با کشتار و پروه گیری زنان و دختران و خردسالان و تناب پیچ کردن دستگیرشدگان با زنجیر بنام «ذات السلاسل» که از سهمناکترین شکنجه ها و کشتار او است^{۳۰}

۲۶. در یکی دیگر از گردنه بندیها که برای پیدا کردن چشمه آبی بود در نیمه راه برده سیاهی را دید که با دو خیک آب میرود با اینکه او جای چشمه آب را به علی نشان داد وی نپذیرفت و آن برده را با زور به نزد محمد برد نخست آبهایش را نوشیدند و سپس خیکهای آبش را سوراخ کردند و او را با مشت و لگد زدند و زخمی و گریان در بیابان رهاش کردند.^{۳۱}

۲۷. کتانه بن ربیع گنجینه دار بلند آواز یهودی را کشت.^{۳۲}

۲۸. یعقوبی مینویسد شیعی دربارہ کشتار علی نویسد، او گروهی را آتش زد و دیگران را با دود در اتاغهای دربسته خفه کرد و گروهی را انگشتان دست و پا برید و دیواری بر سر دو تن فروریخت و آنانرا کشت.^{۳۳}

۲۹. علی و یارانش در یک روز دو هزار و پانصد تن از خاندان ازد را سربریدند بگونه ایکه کسی زنده نماند تا دیگری را دلداری دهد.^{۳۴}

۳۰. همه مردمیکه پس از مرگ محمد شادمانی کرده و بر دست و پای خود حنا بسته بودند بدستور ابوبکر و عمر با دست علی سربریده شدند و این علی بود که تن های آنان را در آتش سوزاند و خاکستر نمود.^{۳۵}

۳۱. بریدن سر عبدالله پسر اختل - هویرس پسر یغتل - مغیس پسر سیابه بدست علی و به پیگرد در آوردن چهار زن بنامهای ۱- هند ۲- سارا ۳- قریبه ۴- فرتنا که دو تن آخری گیرختند و دو تن نخست هند و سارا را دستگیر نمود و سربرید.^{۳۶}

۳۲. علی شریعتی در دفتر سیمای محمد خود می نویسد: «چه بگویم؟ مگر با کلمات میتوان از علی سخن گفت، علی خود محمد دیگری است، شگفت اینکه در سیمای علی محمد را نمایان تر میتوان دید.»^{۳۷}

۳۳. در هاشمیه بر ۲۳ سال و تبری چنین آمده است «علی سنگدلی خود را در سربریدن اسیران بنی قریظه و خیبر و چهار سال رهبری و جنگ و برادرکشی بدرستی نشان داد.»^{۳۸}

^{۳۰} - منتهی الامال قمی پوشینه نخست برگ ۸۱ - ۸۲ - ۸۳
^{۳۱} - تحفته المجالس نوشته تاج الدین حسن سلطانمحمد برگ ۱۸.

^{۳۲} - قضاوت عبدالرحمان برگ ۱۳۸.

^{۳۳} - یعقوبی پوشینه دوم برگهای ۱۳۷ - ۱۳۸.

^{۳۴} - مروج الذهب پوشینه یکم برگ ۷۲۹.

^{۳۵} - کامل ابن اثیر پوشینه دوم برگ ۳۷ - ۸۳ - ۸۸ - روضه الصفا پوشینه دوم برگهای ۶۰۳ - ۶۱۴ - التنبیه و الاشراف مسعودی برگ ۲۶۱ - قصص الانبیای نیشابوری برگهای ۴۵۵ - ۴۵۶ - تاریخ تبری پوشینه چهارم برگهای ۱۳۵۴ - ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۹۴ - ۱۴۰۷ - ۱۴۱۰ - ۱۴۶۴ و پوشینه ششم برگهای ۲۴۲۰ - ۲۴۶۵.

^{۳۶} - تفسیر تبری تلخیص از سوره المتحنه از برگهای ۱۸۳۸ و ۱۸۵۸ پوشینه هفتم.

^{۳۷} - دفتر سیمای محمد نوشته علی شریعتی برگ ۵۸۲.

^{۳۸} - هاشمیه بر ۲۳ سال برگ ۲۴۲ تاریخ تبری برگ ۱۳۷۳.

۳۴. زمانیکه عبدالله بن مجلم را پس از کوبیدن شمشیر زهرآلودش بر سر علی پیش او بردند و پرسید چرا این کار را کردی وی پاسخ داد بس که تو خونهای مردمان ریختی.^{۳۹}

۳۵. علی شریعتی در دفتر سیمای محمد خود چنین آورده است: «انابى السیف» به چم اینست که من پیغمبر شمشیرکشان هستم که با زبان ساده می شود پیغمبر غداره کشان و آدم کشان.^{۴۰}

۳۶. در دفتر پیامبر نوشته رهنما و منتهی الامال قمی آمده که «علی با فرود آوردن یک شمشیر چنان بر سر طلحه نواخت که مغزش بر زمین افتاد».^{۴۱}

۳۷. در نهج البلاغه میگوید: «بخدا از کودکی شمشیر میزدم تا امروز که پیر شده ام».^{۴۲} آیا در جایی پیدا می کنید که دانشگاه و بیمارستانی ساخته است؟ آیا شناسایی خدای توانا نیاز به راهنمایی داشت یا کشتار و تاراج و بردگی؟

۳۸. در یکی از گردنه ها علی و زبیر در کنار چشمه آبی کمین کردند، دو مرد و یک شترسوار را که برای آب آمده بودند دستگیر کردن و بنزد محمد بردند چون آنان ایستگاه کاروانیان را نشان نمیدادند به اندازه ای در دست علی و زبیر شکنجه شدند تا ناگریز به اعتراف گردیدند.^{۴۳}

۳۹. علی بدستور محمد مردی بنام مقداد را سربرید.^{۴۴}

همه نویسندگانی که درباره زندگی محمد و علی بررسی کرده اند آنانرا **خشن، کینه جو، سنگدل دانسته و نمونه زیر را دست آوردی از دیدگاه خود آورده اند.**

«چند تن از مردم خاندان بحیره که یک شتربان محمد را کشته بودند پس از دستگیری بدستور محمد نخست دست و پای همه را در برابر چشمان او بریدند و سپس چشمان یکایک را کور کردند و پس از آن همه را کشتند».^{۴۵}

آیا به پیروی از خرد و اندیشه نیک میتوان چنین کشتارگرانی را بیگناه «معصوم» دانست؟ اگر آنها را بیگناه بدانیم پس چگونه کسانی را باید گناهکار بشناسیم؟ آیا باورپذیر است که خدای دادگر به چنین کسانی پروانه نمایندگی دهد؟ آیا در میان آفریدگانش خردمند تر و دلسوزتر نداشت؟ این باورپذیر است که آفریدگار جهان جز از راه کشتن و تاراج نتواند آفریدگان را راهنمایی کند؟

از کسی که این مطالب را جمع کرده است سپاسگزاری میکند.

^{۳۹}- تفسیر تبری برگهای ۱۳۴۴ - ۱۳۴۸.

^{۴۰}- برگ ۲۵۰ از دفتر هاشیه بر ۲۳ سال برداشت از برگ ۸۰ دفتر سیمای محمد علی شریعتی.

^{۴۱}- برگ ۷۱۶ دفتر رهنما و برگ ۶۰ پوشینه یکم منتهی الامال قمی.

^{۴۲}- نهج البلاغه برگ ۱۰۲.

^{۴۳}- دفتر پیامبر نوشته رهنما برگهای ۶۷۹ - ۶۸۰.

^{۴۴}- دفتر اسلام شناسی علی شریعتی برگ ۱۶۳.

^{۴۵}- بازشناسی قرآن نوشته روشننگر برگ ۳۵۲ از ابو محمد عبدالملک پسر هشام و دفتر سیرت الرسول الله چهار پوشینه قاهره ۳۶۵ هجری.